

## داستان احزاب سیاسی در ایران<sup>(۱)</sup>

باقر عاقلی

کدامیک از احزاب تا کنون مشاغل مهم کشور را در دست داشته است.

مبدأ و تاریخ تشکیل احزاب سیاسی را در ایران باید بعد از استبداد صغیر دانست لیکن قبل از مشروطیت هم احزاب و دستجات سیاسی وجود داشت و به اصطلاح باند و گروهی با اتحاد و اتفاق در مسائل سیاسی و اجتماعی از یکدیگر حمایت می‌کردند. مهمترین دسته سیاسی قبل از مشروطه که بطور مخفیانه توسعه و گسترش یافت در دوران ناصرالدین شاه بود که ابتدا بنام فراموشخانه و بعد فراماسونری نام گرفت این دسته سیاسی که منشاء و مبدأ خارجی داشت به وسیله میرزا ملکم خان معروف به ناظم الدوله با کمک سید جمال الدین اسد آبادی و حمایت بعضی از رجال در ایران پی‌ریزی شد و ابتدا ناصرالدین شاه نیز با آنان موافق بود و بعضی از شاهزادگان نیز به آن وارد شدند ولی بعداً شاه از این جمعیت سیاسی بی‌مناک شد و بساط آن را برچید لیکن عده‌ای عضویت آن را داشتند و حتی بعضی معتقدند که امروز نیز وجود دارد ولیکن این حزب هیچ موقع مانور سیاسی نداده و به هیچ وجه تظاهر به موجودیت خود نکرده است. تاریخچه فراماسون بحثی جالب و شنیدنی است و محتاج به توضیحات بیشتری است که آنرا به مقالات دیگری موکول می‌نمائیم و سخن از سایر احزابی که در ایران بوجود آمده‌اند خواهیم راند.

بعد از خلع محمد علیشاه فرزند خردسال او به سلطنت رسید و نیابت او را به رییس ایل قاجار بنام علیرضا خان عضد الملک سپردند مرحوم اعتماد السلطنه در کتاب خلسه یا اسرار انحطاط ایران وی را چنین معرفی می‌کند:

«علیرضا خان عضد الملک از منسوبان پادشاه است خوشبخت و مال دار در خست و امساک با علی درجه اشتهار اما متدین و ظاهر الصلاح و پاک فطرت و پاکیزه سیرت در راه خدمت پادشاه از بذل جان و مال عزیز مضایقه ندارد صرف در راه خدا و خدا پرستی می‌سپارد. به تمام معنی شخص نازنینی است. اما عامی و بسیط است در بیسوادی و بی خبری بدرجه افراط و تفریط مشرعی است که نه اصول میدانند نه فهم مسائل فروع می‌تواند حتی قرآن و دعا را غلط می‌خواند. از پوئتیک و علم خارجی بی‌بهره است عضدالملک مدتی کوتاهی نایب السلطنه بود سپس فوت شد ناصر الملک قراگوزلو که تحصیلکرده آکسفورد لندن و هم کلاس لرد کرزن بود به نیابت سلطنت رسید در آن تاریخ مجلس دوم تازه افتتاح و شروع بکار کرده بود ناصر الملک بر اساس تربیت خود در انگلستان و کلاء را مجبور ساخت که مشی سیاسی خود را تعیین نمایند و باصطلاح صفوف پارلمانی مشخص بوجود آورند مآلچند حزب تشکیل گردید که هر یک در پارلمان فراکسیون داشتند.»

این احزاب سیاسی عبارت بودند از حزب انقلابی و حزب اعتدالی که بعد نام خود را به اسم دموکرات عامیون و اجتماعیون اعتدالیون تبدیل نمودند البته احزاب دیگری نیز مانند اتفاق و ترقی درست شده که اعضاء زیادی نداشت.

عده دموکراتها در مجلس ۲۸ نفر و تندرو بودند و بیشتر جوانها و تحصیلکرده‌ها و روزنامه‌نویس‌ها عضو دموکرات محسوب می‌شدند کارگردانان اصلی این حزب عبارت بودند از سید حسن تقی زاده (سناتور فعلی) سید محمد صادق طباطبائی و دهخدا و روزنامه‌های آنها نیز نو بهار و شفق و ایران نو مرتباً منتشر میشد حزب اعتدالی در مجلس عده بیشتری عضو داشت و تعداد آنها به ۳۶ نفر می‌رسید و بیشتر اعیان و اشراف در آن حزب عضویت داشتند از رؤسای این حزب سپهدار و فرمانفرما و سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی بودند. مبارزات این دو حزب سیاسی داستانی شنیدنی دارد که منجر به کشته شدن سید عبدالله بهبهانی و نفی بلد تقی زاده شد و مجلس دوم نیز بسته شد و جنگ بین الملل اول پیش آمد و مجلس سوم قبل از اتمام وسیله مهاجرت و کلاء از هم پاشیده شد و احزاب با شرکت عده‌ای از رجال تشکیل میگردد که روی هم رفته

هیچکدام آنها رونقی نگرفته و مجدداً در محاق تعطیل قرار گرفته اند و از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ حزبی در ایران بوجود نیامد بعد از شهریور ۲۰ بازار حزب سیاسی در ایران رونق زیادی گرفت و عده زیادی به دنبال تشکیل حزب و دستجات سیاسی رفتند در آن تاریخ غالب رجال دوران مشروطیت حیات داشتند و با توجه به سوابق امر به تشکیل حزب پرداختند. سید ضیاء الدین طباطبائی حزب وطن و بعد از او ملی را بوجود آورد، سید محمد صادق طباطبائی حزب مردم را تشکیل داد، سردار فاخر حزب سوسیالیست را پی ریزی نمود، عده‌ای از مهندسين حزب ایران را پی ریزی کردند، حزب زحمتکشان و حزب استقلال نیز به وسیله دکتر بقائی و عبدالقدیر آزاد تشکیل یافتند. مهمترین حزبی که بعد از شهریور تشکیل یافت و باصطلاح معروف «خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود» حزب دموکرات ایران به زعامت قوام السلطنه نخست وزیر وقت بود.

قوام السلطنه از دوران قدرت بین مجلس ۱۴ و ۱۵ با شرکت غالب رجال به تشکیل حزب دموکرات ایران همت گماشت و سازمان آنرا طوری گسترش داد که در غالب شهرستانها شعبه آن تشکیل یافت. از مهمترین کارهای این حزب شرکت در انتخابات دوره پانزدهم بود و حزب مزبور اکثریت مجلس پانزدهم را بدست آورد و یک فراكسیون ۸۰ نفری به ریاست ملک الشعراي بهار در پارلمان صف آرائی نمود اما این فراكسیون تازمانی بود که اعتبار نامه‌ها تصویب نشده بود به محض اینکه اعتبار نامه‌های وکلا بتصویب رسید هر یک پس از دیگری از فراكسیون خارج شدند و بارهبر خود آن معامله را کردند که مردم کوفه با مسلم بن عقیل نمودند. قوام السلطنه رفت و حزب پاشیده شد و فراكسیون منحل گردید و مثل اینکه اساساً حزبی بنام دموکرات ایران بوجود نیامده است.

بعد از (کودتای) ۲۸ مرداد به دوران حکومت دکتر اقبال دو حزب موجودیت خود را اعلام کردند یکی ملیون به رهبری نخست وزیر وقت و دیگری مردم بریاست امیر اسدالله علم. این دو حزب هر چه زودتر شبکه‌های خود را توسعه دادند و برای انتخابات خود را آماده نمودند و در انتخابات دوره بیستم هر یک ۲۰۰ کاندیدا معرفی کردند اما مبارزه‌ای برای انتخابات بوجود نیامد بلکه توافق دو حزب در هر حوزه به مشکل مبارزات انتخاباتی خاتمه داد و هر یک از دو حزب وکلای خود را به مجلس فرستادند اما مجلس حزبی بیستم قبل از تشکیل باطل شد و ماجرای دو حزب به ناکامی کشید. بعد از رفتن دکتر اقبال از ایران، حزب ملیون نامی بیشتر نبود لیکن حزب مردم وضع خود را تا حدی مستقر نمود بطوریکه در مجلس ۲۱ نیز دارای فراكسیون می‌باشد.

اما آخرین حزبی که تشکیل یافت و آنرا بخاطر داریم حزب ایران نوین است که هم اکنون عهده‌دار حکومت کشور می‌باشد.

این حزب که در مجلس اکثریت قابل ملاحظه دارد عهده‌دار حکومت می‌باشد و غالب وزرای کابینه عضو حزب می‌باشند.

سابقه حزب ایران نوین طولانی نیست و دو سه سال بیشتر از تاریخ تشکیل آن نمی‌گذرد. این حزب وسیله مرحوم منصور و دوستان نزدیک وی پی‌ریزی شد و پس از انجام انتخابات دوره بیست و یکم موجودیت خود را رسماً اعلام کرد و فراکسیون مجلس به رهبری مرحوم منصور مشغول کار شد و پس از چندی که از عمر مجلس گذشت، رهبر حزب حکومت را نیز در دست گرفت و کابینه خود را از افراد حزبی داخل مجلس و دیگر افراد معرفی کرد. هسته مرکزی حزب ایران نوین را گروه مترقی تشکیل می‌دهد. گروه مزبور که هم اکنون در جوار حزب ایران نوین تابلوی خود را به دیوار کوییده است ابتدا با مشارکت مرحوم منصور، دکتر کشفیان و وزیر مشاور، دکتر ایقانی رئیس فروشگاه فردوسی تشکیل گردید و بعد عده‌ای بآن ملحق شدند در حقیقت هسته مرکزی حزب ایران نوین همان گروه مترقی است. بدوران مشروطیت ایران که ۶۰ سال از آن می‌گذرد تنها حزبی که غالب مشاغل مهم مملکتی را به افراد حزبی سپرده است. حزب ایران نوین است البته افراد زیادی نیز وارد حزب شده‌اند که شغلی بگیرند لیکن تاکنون فقط با بوی کباب ساخته‌اند معلوم نیست بعداً از خود کباب هم سهمی به آنها داده شود یا خیر؟ رجاء واثق داریم به انتظار این عده نیز که از بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ در تمام احزاب عضویت داشته‌اند و اکنون نیز در حزب ایران نوین هستند سهمی داده شود تا به آرزوی دیرینه خود برسند آمین یا رب العالمین.